

جامعه‌شناسی کاربردی

سال بیست و سوم، شماره پیاپی (۴۸)، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۵

صص ۸۵-۱۰۲

تحلیلی بر وضعیت کودکان خیابانی و کار در شهر اصفهان

علیرضا افشانی، استادیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد*

عباس عسکری‌ندوشن، استادیار گروه مردم‌شناسی دانشگاه یزد

محمد حیدری، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

محمد نوریان نجف‌آبادی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

چکیده

پدیده کودکان خیابانی و کار، یکی از معضلات گریبانگیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. مقاله حاضر با هدف بررسی وضعیت کلی کودکان کار و خیابانی به مطالعه سبک زندگی، فعالیت‌ها، تجربیات، زمینه‌های خانوادگی، ویژگی‌های تحصیلی و خصوصیات رفتاری آنان از نظر ارتکاب جرم و نظایر آن می‌پردازد. بدین منظور، با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه همراه با مصاحبه، نمونه ۱۲۲ نفری از کودکان ۶ تا ۱۴ ساله مشغول به کار در خیابان‌های شهر اصفهان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و اطلاعات لازم از این کودکان جمع‌آوری شده است تا وضعیت و شرایط مرتبط با شکل‌گیری این پدیده اجتماعی در شهر اصفهان بررسی و تجزیه و تحلیل گردد. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که اکثر کودکان کار و خیابانی مورد مطالعه؛ پسر، مهاجر، دارای میزان درآمد پایین و والدین معتاد، و کسانی هستند که توسط والدین مورد آزار جسمی قرار گرفته‌اند و بیشتر به کار دست‌فروشی مشغول هستند. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده این است که اکثر کودکان خیابانی به کارهای انحرافی دست زده‌اند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته، توسط پلیس دستگیر شده و حتی عده‌ای نیز به زندان رفته‌اند. در نهایت، نتایج تحقیق نشان داده است که رابطه معناداری بین اعتیاد والدین، آزار کودکان توسط والدین و زندان رفتن والدین با نوع کار کودکان وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، کودکان خیابانی و کار، خانواده، فقر، اصفهان.

مقدمه

پدیده کودکان خیابانی مشکلی اجتماعی است که از دیرباز در کشورهای مختلف وجود داشته و در دهه‌های اخیر به علل گوناگون افزایش یافته است. این پدیده یکی از معضلات گریبانگیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران است و به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی، نه تنها بخش درخور توجهی از کودکان و نوجوانان را که سرمایه‌های آینده جامعه هستند، در معرض انواع آسیب‌ها قرار داده است، بلکه خانواده و جامعه را نیز با زیان‌های فراوانی روبه رو ساخته است. گرچه مسأله کودکان خیابانی، موضوعی است که اخیراً در بحث‌های سیاستگذاری و آکادمیک مطرح شده است، اما محققان و سازمان‌هایی که بر روی این موضوع کار می‌کنند، درباره مفهوم دقیق کودکان خیابانی دیدگاه متفاوتی دارند. کودکان خیابانی چه کسانی هستند؟ آنهایی که در خیابان کار می‌کنند و روز و شبشان را در خارج از خانه می‌گذرانند؟ یا آنهایی که تمام روز را در خیابان به سر می‌برند و شب‌ها به خانه برمی‌گردند؟

لاسک^۱ (۱۹۹۲) و پاتل^۲ (۱۹۹۰) در طبقه‌بندی نسبتاً مشابهی کودکان خیابانی را در چهار مقوله گروه‌بندی می‌کنند که هر گروه ویژگی‌های اجتماعی و روان‌شناختی خاص خود را دارند: گروه اول، کودکان فقیری هستند که در طول روز در خیابان کار می‌کنند و شب به خانه برمی‌گردند. این گروه احتمالاً در مدرسه شرکت می‌کنند، ولی کمتر به اعمال مجرمانه و بزهکاری روی می‌آورند. گروه دوم، کارگران خیابانی مستقل هستند که پیوندهای خانوادگی آنها در حال گسستن است. شرکت آنها در

مدرسه در حال کاهش و بزهکاری در بین آنها رو به افزایش است. سوم، کودکان خانواده‌های خیابانی هستند که به همراه خانواده‌شان در خیابان زندگی و کار می‌کنند. فقر اقتصادی و از جمله نداشتن مسکن و سرپناه، علت اصلی زندگی آنها در خیابان است. گروه چهارم، کودکانی هستند که از خانواده خود کاملاً بریده و از خانه فرار کرده‌اند. این گروه به صورت تمام وقت در خیابان به سر می‌برند و به نظر لاسک، کودکان خیابانی واقعی، این گروه هستند که حدود ۱۵ درصد از نمونه تحت مطالعه وی را تشکیل می‌دادند.

برخی از تعاریف دیگر، کودکان خیابانی را براساس مراحل زندگی‌شان در خیابان دسته‌بندی کردند. آپتکار^۳ (۱۹۸۸) و ویسانو^۴ (۱۹۹۰)، فرآیند حرکت از خانه به خیابان را به صورت مراحل تعریف می‌کنند که زمان دوری کودکان از خانه به صورت تدریجی، اما مستمر افزایش می‌یابد تا زمانی که کودک به طور کامل به زندگی و فرهنگ خیابانی روی آورد.

با وجود تفاوت در تعاریف، کودکان بندرت زندگی خیابانی را قبل از سن پنج سالگی شروع می‌کنند (Gutierrez, 1970: 3). یکی از علل این امر آن است که کودکان تا قبل از رسیدن به این سن، در نظر مردم، اطفالی معصوم و بی‌گناه شمرده می‌شوند که در شرایط خاص و سختی زندگی می‌کنند و به همین خاطر مردم به آنها پول و صدقه می‌دهند. علاوه بر این، در بسیاری از مناطق جهان، به خاطر وضع قوانین مختلف در این رابطه، امکان اشتغال برای آنها وجود ندارد، ولی بتدریج که بزرگتر می‌شوند، از سویی فیزیک جسمی آنها و از سوی دیگر، نگاه ترحم‌آمیز مردم نیز نسبت به آنها تغییر

³ Aptekar

⁴ Visano

¹ Lusk

² Patel

برای بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی فراهم کرده است. پدیده کودکان خیابانی که از آن به عنوان «تراژدی شهری» یاد می‌شود، معضلی است که کلان‌شهرها و شهرهای نسبتاً بزرگ جوامع معاصر، اعم از پیشرفته و در حال توسعه، با آن دست به گریبانند. کشور ایران نیز در این مسیر از بروز و گسترش این پدیده و پیامدهای اجتماعی ناگوار آن مصون نمانده است. آمارهای پراکنده و برخی مطالعات مقدماتی درباره این پدیده، حاکی از روند رو به گسترش آن در شهرهای بزرگ ایران است (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۵۶). با توجه به اینکه پدیده کودکان خیابانی یکی از آسیب‌های اجتماعی است که به عنوان معضلی در شهرهای بزرگ کشور ما رو به گسترش است، توجه علمی و برنامه‌ریزی مناسب پیرامون آن ضرورت دارد. در این میان، کودکان کارگر خیابانی که زیر فشارها و در سایه سختی‌های زندگی به کار در خیابان‌ها رو آورده‌اند و فرآیند طبیعی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی‌شان و همچنین، تکامل شخصیت و جریان اجتماعی‌شدن بهنجار آنان به خطر افتاده است، نیازمند توجه ویژه‌اند. بنابراین، لازم است تحقیقات علمی متعددی در این زمینه برای شناسایی و کنترل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در جامعه صورت گیرد. لذا در این پژوهش سعی شده است که عوامل مؤثر بر این مسأله در شهر اصفهان بررسی و تجزیه و تحلیل گردد. به این منظور، با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده از اجرای یک پیمایش در بین نمونه ۱۲۲ نفری از کودکان خیابانی در شهر اصفهان، مقاله حاضر به بررسی وضعیت کلی کودکان خیابانی از نظر سبک زندگی، فعالیت‌ها، تجربیات، زمینه‌های خانوادگی، ویژگی‌های

می‌کند و گرفتن پول از عامه مردم دشوارتر می‌شود (Visano, 1990: 150).

طبق گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۰۰، حدود ۱۴۰-۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در جهان وجود دارند؛ که از این تعداد حدود ۴۰ میلیون نفر در آمریکای لاتین، ۳۵ میلیون نفر در آسیا، ۱۰ میلیون نفر در افریقا و بقیه در کشورهای مختلف، از جمله کشورهای پیشرفته به سر می‌برند. در ایران آمار و اطلاعات دقیقی در مورد کودکان خیابانی وجود ندارد. براساس آمارهای رسمی تعداد آنها حدود ۲۰ هزار نفر است. آمارهای غیررسمی این تعداد را (با محاسبه کودکان کار و خیابان) بین ۴۰۰ هزار تا یک میلیون نفر برآورد می‌کند (کاشفی، ۱۳۷۸). در سرشماری نفوس مسکن سال ۱۳۷۵ شمار شاغلان ۶ تا ۹ سال گزارش نشد، اما شمار شاغلان ۱۰ تا ۱۴ ساله ۲۶۵ هزار نفر گزارش شده است. اگر نسبت شمار افراد در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال را با افراد ۶ تا ۱۴ سال در ۱۳۷۵ معیار بگیریم، باید شمار کل کودکان شاغل در ۱۳۷۵، ۵۹۰ هزار نفر بوده باشد. براساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵، شمار شاغلان ۱۴-۱۰ ساله ۱۸۵ هزار نفر برآورد شده است که از این تعداد حدود ۱۲۸ هزار نفر پسر و حدود ۵۷ هزار نفر دختر بوده‌اند. از این تعداد ۶۲ هزار نفر در نقاط شهری، ۱۲۰ هزار نفر در نقاط روستایی و نزدیک به سه هزار نفر غیرساکن بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

بی‌شک، اندیشه مطالعه و بررسی کودکان کار و خیابانی، در سال‌های گذشته اذهان کارشناسان مسائل اجتماعی را مشغول نموده است. دگرگونی‌های تکنولوژیک و تحولات سریع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و پیامدهای خواسته یا ناخواسته آنها، زمینه را

¹ Urban Tragedy

تحصیلی و خصوصیات رفتاری آنان از نظر ارتکاب جرم و نظایر آن می‌پردازد. بررسی شرایط کلی زندگی، وضع آموزشی و افت تحصیلی، شیوه‌های جامعه‌پذیری، بیگانگی از محیط اجتماعی، وضعیت اقتصادی خانواده و تجربه زندگی فقیرانه از نظر پیامدهای مختلفی که می‌تواند بر زندگی این گروه از کودکان بگذارد، حائز اهمیت است.

اهمیت و اهداف

کودکان بخشی از لایه‌های آسیب‌پذیرند که بی‌توجهی به آنان می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای جامعه داشته باشد و در این میان، کودکان کار و خیابان که زیر فشار و در سایه سختی‌های زندگی به کار در خیابان‌ها روی آورده‌اند و فرآیند طبیعی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی‌شان و همچنین، تکامل شخصیت و جریان اجتماعی‌شدن آنها به خطر افتاده است نیازمند توجه ویژه‌اند و ضروری است در قالب پژوهش‌های علمی، شرایط و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی آنها بررسی گردد. دوران کودکی در رشد و سلامت کودکان و شکل‌گیری شخصیت آنان از اهمیت فراوانی برخوردار است و توجه به نیازها و حقوق اساسی آنان در این سال‌های حساس، نقش مهمی در پرورش کودکانی توانمند و شایسته برای خود و جامعه‌ای که سازندگان آینده آن هستند، ایفا می‌کند. وجود آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی در هر جامعه‌ای، کودکان را بیشتر از گروه‌های دیگر در معرض خطر قرار می‌دهد و به رشد و سلامت آنان آسیب می‌رساند. در کشور ما نیز، کودکان به دلایل مختلف (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) با آسیب‌ها و مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. کودکان کار و خیابان،

از جمله کودکان در معرض آسیب هستند که عمدتاً به دلایل اقتصادی، بیشترین وقت خود را در محیط‌های ناامن و پرمخاطره خیابان می‌گذرانند. این کودکان در معرض خطرات گوناگون قرار دارند. آنها از حقوق اولیه خود مثل آموزش، بهداشت، تغذیه مناسب و... محرومند و در همه زمینه‌های رشد (جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی) با مشکلات فراوانی مواجه هستند و از نارسایی‌های زیادی رنج می‌برند. کودکان کار و خیابان با وجود مشکلات متعددی که آنان را در معرض خطر قرار می‌دهد، از حمایت‌های آموزشی، بهداشتی، روانی و اجتماعی لازم برخوردار نیستند و حتی بسیاری از این بچه‌ها که دور از خانواده یا بدون خانواده یا بد سرپرست‌اند، از حمایت‌های خانوادگی نیز محرومند؛ در نتیجه بیشتر دچار مشکلات و آسیب‌ها می‌شوند. کودکان کار و خیابان هرچند امروزه از مسائل و مشکلات حاد جامعه ما به شمار نمی‌روند، ولی عدم توجه دقیق به آنها می‌تواند در آینده سلامت بخش وسیعی از جامعه را تهدید کند. روی آوردن امروزی کودکان به خیابان و کار در آن؛ یعنی محروم شدن استعدادها و این کودکان از آموزش و تحصیل، همراه با فراهم شدن زمینه انواع آسیب‌های اجتماعی که گریبان این کودکان، خانواده آنها و در نهایت جامعه را خواهد گرفت. شناخت وضعیت، مشکلات و آسیب‌های این کودکان، گردآوری آمار، اطلاعات و منابع گوناگون در باره آنان، آشنایی با علل و عوامل ایجادکننده این آسیب‌ها و افزایش آنها، نخستین گام در راه کمک‌رسانی به این کودکان و تلاش برای ایجاد تغییرات لازم در زندگی آنان به منظور بهره‌مندی از حقوقشان است.

به نظر می‌رسد پرداختن به مسأله کودکان کار و

خیابانی به علل مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: نخست آنکه، پدیده کودکان کار و خیابان صرفنظر از آمار و تعداد آنها، خود یک مسأله اجتماعی مهم و در خور توجه در جامعه است که آثار و تبعات اجتماعی متعددی را به دنبال دارد؛ دوم اینکه کودکان کار و خیابان از محرومترین کودکان هستند که از بیشترین حقوق اساسی خود بی‌بهره‌اند؛ سوم آنکه کودکان کار و خیابان به علت شرایط زندگی خاصی که دارند، منشأ بسیاری از رفتارهای نادرست و پرخطری هستند که نه تنها به خود کودک آسیب جدی می‌رساند، بلکه سلامت جامعه و افراد دیگر را نیز به مخاطره می‌اندازند.

با وجود آثار و پیامدهای مسأله‌آفرین پدیده کودکان خیابانی، مطالعات نظام‌مندی در خصوص شناسایی ابعاد اجتماعی و فرهنگی مرتبط با موضوع کودکان خیابانی و وضعیت و شرایط زندگی آنها در ایران موجود نیست. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی عوامل مرتبط با شکل‌گیری پدیده کودکان کار و خیابان است که در کنار این هدف، بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری پدیده کودکان کار و خیابان، شناخت مسائل و مشکلات کودکان کار و خیابان و سرانجام ارائه راهکارها و پیشنهادهایی در جهت کاهش مشکلات آنها نیز مورد نظر بوده است.

پیشینه تجربی تحقیق

نتایج تحقیقات پیشین نشان‌دهنده این است که عوامل مختلفی، همچون عوامل اقتصادی (شیوع بالای بیکاری، فقر، بی‌عدالتی، فاصله زیاد طبقاتی، مشاغل کم‌درآمد پدران)، عوامل اجتماعی (ازدیاد جمعیت، مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، ساختار

جمعیت، کمبود قوانین حمایتی از کودکان)، عوامل خانوادگی (خانواده‌های پرجمعیت و بعد بالای خانوار، خانواده‌های پرتنش، فوت یا جدایی والدین، اعتیاد در خانواده، سابقه بزهکاری والدین، خشونت والدین، وجود ناپدیری یا نامادری، بیماری روانی والدین)، عوامل زیستی و روانی (بحران هویت، بحران بلوغ، فرار از خانه و مدرسه، اعتیاد و بزهکاری که تحت تأثیر عوامل اجتماعی و خانوادگی قرار دارد) و نبود نظارت‌های دولتی در دفاع از حقوق کودکان می‌توانند بر شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی تأثیر داشته باشند (وامقی و دیگران، ۱۳۸۸؛ قاسم زاده، ۱۳۸۲؛ رئیس‌دانا، ۱۳۸۲؛ حسینی، ۱۳۸۴؛ وامقی، ۱۳۸۴). نتایج پژوهش تولائی و دیگران (۱۳۸۸) نشان داد که میزان کار کودک در کشورهای مختلف در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ با مقدار شاخص توسعه اجتماعی، ارتباط منفی دارند، ولی تفاوت این دو همبستگی معنادار نیست. سطح پایین سواد کودک، افزایش بعد خانواده، بی‌سوادی والدین و طلاق در خیابانی شدن کودک تأثیر بسزایی دارد (Aderinto, 2000: 1199-1213). آزار جسمی در کودکی نیز از عواملی است که باعث فرار از منزل کودکان و روی آوردن به خیابان می‌شود (Sappington, 2000: 257). کودکانی که شاهد خشونت بین والدین خود بوده‌اند، بیشتر احتمال دارد که مشکلات رفتاری، از قبیل مدرسه‌گریزی و فرار از منزل داشته باشند (Hajyahia, 2000: 891). هاتی، دیویس و بروک گزارش کردند اکثر کودکان و نوجوانانی که از خانه فرار می‌کنند و زندگی در خیابان را ترجیح می‌دهند، اظهار می‌دارند که در خانواده از نظر جسمی و روانی مورد آزار قرار گرفته‌اند (Hatty et al, 1994). شاوردی در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که در درجه اول، عوامل

می‌تواند به دو دسته تقسیم شود: عوامل جاذب و عوامل دافع. عوامل جاذب شامل هیجان و زرق و برق زندگی در شهرهای بزرگ و امید به افزایش استانداردهای زندگی و امنیت مالی و استقلال، و عوامل دافع شامل افزایش طبیعی جمعیت بالاتر از ظرفیت تحمل، روند بین‌المللی شهرنشینی، هزینه‌های زندگی، نیاز به درآمد بیشتر، بعد خانواده و گسیختگی خانواده‌های سنتی.

هیکسون و گایدون اشاره می‌کنند که بسیاری از کودکان خیابانی متعلق به خانواده‌های فقیری هستند که شرایط نامساعد زندگی مشکلات متعددی را برای آنها ایجاد کرده است. مرگ پدر و مادر، و تنش‌های خانوادگی یا کمبود مسکن، ممکن است کودکان را به زندگی کردن در خیابان مجبور کند. در بسیاری از موارد، زندگی خیابانی پاسخ مساعدی به فشارها و ستم شدیدی است که به وسیله خانواده‌هایی که در یک جامعه پر از تضاد زندگی می‌کنند، داده می‌شود. بنابراین، رفتن به خیابان غالباً بیانگر تمایل به کنترل زندگی خود و جایگزین کردن ارزش‌ها و شرایط ناگوار قبلی با ارزش‌ها و شرایط جدید است (Hickson and Gaydon, 1989: 85-89). به همین ترتیب، اقلیما (۱۳۸۶) در مطالعه پدیده کودکان خیابانی در شهر تهران به این نتیجه می‌رسد که آشفته‌گی‌های خانواده و شیوه‌های رفتاری و تربیتی پدر و مادر در بروز پدیده کودکان خیابانی مؤثر است. براساس نتایج مطالعه مذکور، عوامل اقتصادی، بدرفتاری پدر، ناسازگاری با پدر و مادر، اعتیاد پدر و مادر و جدایی والدین، در زمره مهمترین عوامل در بروز پدیده کودکان خیابانی در شهر تهران بوده است.

یکی از نتایجی که تحقیقات مکرراً بر آن تأکید کرده‌اند، تفاوت‌های جنسیتی است که در بین کودکان

اقتصادی و سپس عوامل خانوادگی، به ویژه رفتار نامناسب با کودکان نقش مؤثری در ایجاد این پدیده داشته‌اند (شاوردی، ۱۳۸۱). نتایج پژوهش زرگر و همکاران (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که دختران فراری با تحصیلات ابتدایی به بالا در مقیاس‌های افسردگی، اضطراب، روان‌پریشی و تفکر پارانویید تفاوت معنی‌داری با دختران عادی دارند. بروز آسیب‌ها و صدمات روانی، نظیر افسردگی و اضطراب در بین کودکان خیابانی در تحقیقات دیگری نیز گزارش شده است (Aptekar, 2004; Kidd and Carroll, 2007; Batmanghelidjh, 2006; Consortium for Street Children, 2011).

دونالد و اسوارت^۱ (۱۹۹۴) اعتقاد دارند که فقدان یا از دست دادن روابط بسنده با یکی از والدین از نظر بهداشت روانی بزرگترین مشکل کودکان خیابانی است. کودکان خیابانی با فقر شدید و تجربه خطرهایی مواجه‌اند که اثر مخربی بر سلامت آنها دارد. آنها با گرسنگی و تغذیه نامناسب، مشکلات بهداشتی، بیماری، عدم حفظ سلامت روانی، تأخیرهای تحولی، مشکلات روان‌شناختی و عدم پیشرفت تحصیلی مواجه‌اند (Rafferty, 1991: 1174). کودکان و نوجوانانی که از محبت جسمی و کلامی والدینشان محروم می‌شوند و مورد بدرفتاری والدین قرار می‌گیرند، بیشتر در معرض خطر فرار از منزل و در نهایت، بهره‌کشی جنسی و فحشا قرار می‌گیرند. در نتیجه، بسیاری از جوانانی که جو خانه را غیرقابل تحمل می‌یابند، از منزل می‌گریزند و در خیابان برای زنده ماندن و تأمین غذا و سرپناه به فحشا وابسته می‌شوند (Prescott, 1977).

به اعتقاد فال (۱۹۸۶) دلایل ترک خانه توسط کودکان

¹ Donald, D. and J. Swart

خانواده گسترده دارد. رفتار خشن و یا ناشی از سهل انگاری خانواده با فرزندان اغلب از افسردگی والدین، عصبانیت، تشویش‌ها و ناکامی آنان از شرایط زندگی ناشی می‌شود (Aptekar 1994).

چارچوب نظری

با مرور منابع مختلف درباره کودکان خیابانی و جمع‌بندی آنها، می‌توان گفت چند دیدگاه نظری برای تبیین پدیده کودکان خیابانی مطرح شده است: تبیین اول، منشأ کودکان خیابانی را به فقر شهری منتسب می‌کند؛ تبیین دیگر، منشأ آن را به انحراف خانواده‌ها (نظیر رها نمودن کودکان در خیابان، بدرفتاری با کودکان و یا ناسازگاری‌های خانوادگی) منتسب کرده است. تبیین سوم نیز بر مدرنیزاسیون تأکید دارد. دیدگاه چهارم بر ناکارآمدی قواعد و هنجارهای اجتماعی تأکید دارد و نقش عوامل ساختاری را مورد توجه قرار می‌دهد که به نظریه بی‌سازمانی اجتماعی مشهور است.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که علت اصلی حضور اکثریت کودکان در خیابان، فقر و دلایل اقتصادی است. به اعتقاد این گروه از صاحب‌نظران، علت اصلی حضور کودکان در خیابان عمدتاً انجام کار و کسب درآمد است، زیرا خانواده درآمد مکفی برای تأمین زندگی روزمره خود را ندارد (Lusk 1992; Rosa, de Sousa, and Ebrahim 1992). برای مثال، روزا، دسوسا و ابراهیم (۱۹۹۲) در مطالعه‌ای در برزیل به این نتیجه رسیدند که ۸۲ درصد از کودکان خانه را بنا به دلایل اقتصادی ترک می‌کنند، به طوری که این گروه از کودکان با کارکردن در خیابان، حدود نیمی یا بیش از نیمی از درآمد خانواده را تأمین می‌کردند. اوجانگا^۴ (۱۹۹۰) در مطالعه‌ای در نیجریه به این نتیجه رسید که حضور کودکان در خیابان به سبب فقر و نیاز خانواده به درآمدی است که این کودکان کسب می‌کنند.

خیابانی قابل مشاهده است. معمولاً در اکثر نقاط دنیا، سهم پسر بچه‌ها از کودکان خیابانی نسبت به دختر بچه‌ها به طور چشمگیری بیشتر است. برای مثال، در مطالعه لاسک، پرالتا و وست^۱ (۱۹۸۹) در مکزیک، پسر بچه‌ها حدود ۸۳ درصد از کل کودکان خیابانی بودند.

مطالعات قبلی انجام شده همچنین، در تعیین معیار سنی برای کودکان خیابانی اختلاف نظر دارند، ولی معمولاً بچه‌هایی را که در سنین قبل از بلوغ؛ یعنی تا قبل از سنین ۱۵ یا ۱۶ سالگی قرار داشته‌اند، در زمره این گروه قلمداد کرده‌اند. برای مثال، مطالعه ریچر^۲ (۱۹۸۹)، نشان می‌دهد که سن کودکان خیابانی در کشورهای فقیر جهان سوم با کمی تفاوت بین ۱۶-۱۱ سال است. یافته‌های مطالعه دیگر، میانگین سنی کودکان را حدود ۱۳ سال گزارش کرده است (Le Roux, 1996). ریچر (۱۹۹۱) در مطالعه‌اش بر روی کودکان ۱۸-۷ سال متمرکز شده و ایتکر^۳ (۱۹۹۱) کودکان ۱۶-۷ سال را بررسی کرده است.

مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف نشان داده‌اند که بیشتر از ۹۰ درصد کودکان خیابانی، همچنان ارتباطشان را با خانواده‌شان حفظ می‌کنند (Felsman, 1987; Sanders, 1989; Lusk et al., 1981). تعداد کودکانی که توسط خانواده‌شان در خیابان رها شده‌اند، بسیار کمتر از آن چیزی است که معمولاً فرض می‌شود و در مطالعات قبلی رقمی بین ۳ تا ۱۰ درصد از کل کودکان مورد بررسی را تشکیل می‌دهد است (Felsman, 1982; Boydon 1986; Tacon 1989).

مرور یافته‌های به دست آمده از مطالعات دیگر در مورد علل ترک خانه توسط فرزندان نشان داده است که پدیده کودکان خیابانی ارتباط مستقیمی با صنعتی شدن و شهرنشینی سریع و همراه با آن فروپاشی پیوندهای

¹ Lusk, Peralta & Vest

² Ritche

³ Aptaker

⁴ Ojanuga

گسترده، مراقبت از همسر و فرزندان وی را بر عهده داشت. در جامعه مدرن، با مرگ خانواده گسترده، نظام حمایت خویشاوندان از کودکان نیز از بین رفته است و معمولاً خانواده‌های فقیر شهری خانواده‌های زن‌سرپرستی هستند که در انزوای از جامعه زندگی می‌کنند و کودکان این خانواده برای تأمین زندگی ناگزیرند به کار و زندگی خیابانی روی آورند.

برخی از محققان دیگر معتقدند که مهاجرت روستا-شهری که یکی از ابعاد دیگر مدرنیزاسیون است، تبیین‌کننده پدیده کودکان خیابانی است (Wright, 1993). با وجود این، شواهدی وجود دارد که کودکان خیابانی، کودکان متعلق به تازه مهاجران نیستند (Rosa et al., 1992; Tellez, 1976).

دیدگاه دیگر نظریه بی‌سازمانی اجتماعی^۳ است که شامل نظریه آنومی^۴ مرتون^۵ و نظریه عدم تعادل ساختاری پارسونز^۶ و نیزبت^۷ است. این نظریه در بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی به شرایطی توجه دارد که به از هم گسیختگی، ضعف، تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت‌های اجتماعی منجر می‌شود. نظریه فوق نقش عوامل ساختاری را که مانع از انطباق و سازگاری گروه‌ها و اقشار اجتماعی یا خرده‌نظام‌ها و نهادهای جامعه با تغییرات اجتماعی و محیطی سریع می‌شوند بررسی می‌کند. طبق این نظریه، می‌توان فرض کرد که کودکان خیابانی انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی اقشار تهیدست و آسیب‌پذیر است که نتوانسته‌اند در جریان مواجهه با تحولات اجتماعی با شرایط موجود انطباق یابند (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

یکی دیگر از نظریاتی که قابلیت زیادی برای تبیین خیابانی شدن کودکان دارد، نظریه فرهنگ فقر است. نظریه فرهنگ فقر اسکار لوئیس بر آن است که بسیاری

با این همه، تمامی مطالعات از فرضیه فقر پشتیبانی نمی‌کنند. پاتل^۱ (۱۹۹۰) پس از مصاحبه با ۱۰۰۰ کودک در خیابان‌های بمبئی به این نتیجه رسید که علت اصلی وجود کودکان خیابانی، فقر نیست، بلکه خشونت خانوادگی است. مطالعه دیگری در هند نشان داد که اگرچه فقر جنبه مهمی از خیابانی شدن کودکان است، اما ناسازگاری‌های خانوادگی عامل اصلی آن است (Subrahmanyam and Sondhi, 1990). در واقع، اکثر مطالعات بیش از یک علت را در مورد پدیده کودکان خیابانی ذکر کرده‌اند. برای مثال، مطالعه دپیندا^۲ و دیگران (۱۹۷۸) در کلمبیا نشان داد که کمی بیش از یک سوم کودکان خانه را به خاطر فقر، ۲۷ درصد به واسطه فروپاشی خانواده و ۲۰ درصد باقیمانده به خاطر بدرفتاری و ناسازگاری خانوادگی رها کرده‌اند. تحقیقات نشان داده‌اند که در کشورهای در حال توسعه، فقر ممکن است شرط لازم و اولیه و ناسازگاری‌های خانوادگی علت ثانویه حضور کودکان در خیابان باشد، ولی در کشورهای توسعه‌یافته این دو عامل برعکس هستند (cf: Aptekar, 1994).

فرضیه مدرنیزاسیون (Kilbride and Kilbride 1990; Connolly 1990)، عناصری از هر دو فرضیه فقر و بدرفتاری خانواده را در خود دارد و معتقد است که کودکان خیابانی در خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند که از حمایت اجتماعی کافی برخوردار نیستند. طرفداران این دیدگاه بر این باورند که مدرنیزاسیون از طریق ایجاد گسست در پیوندهای خانوادگی و فروپاشی شبکه روابط خویشاوندی به شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی در مناطق مختلفی از جهان، مانند آفریقا و آمریکای لاتین منجر شده است. به طوری که در جوامع سنتی و تا قبل از ظهور مدرنیزاسیون، از مردان انتظار می‌رفت که از خانواده و تمامی فرزندان‌شان مراقبت کنند و در شرایطی که مرد از انجام این کار ناتوان بود، شبکه خویشاوندی

³ Social Disorganization

⁴ Anomie

⁵ Merton

⁶ Parsonz

⁷ Nizbet

¹ Patel

² De Pineda

تشکیل می‌دهند که در نوروز ۱۳۸۹ شناسایی شدند و با آنها مصاحبه شد. به علت ماهیت خاص جامعه آماری تحقیق امکان اخذ یک نمونه احتمالی وجود نداشت. انتخاب نمونه‌ها در مناطقی از شهر اصفهان صورت پذیرفت که در مقایسه با سایر مناطق شهر، حضور کودکان خیابانی در آنها به طور متداول و معمول چشمگیرتر بود. جمع‌آوری داده‌ها، به وسیله دو نفر پرسشگر ماهر و دارای تحصیلات کارشناسی ارشد در حوزه علوم اجتماعی صورت پذیرفت و اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه حضوری جداگانه با پاسخگویان جمع‌آوری شد.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه محقق ساخته بوده است. طراحی پرسشنامه تحقیق مبتنی بر ملاحظات نظری و پیشینه تجربی تحقیق صورت گرفت و سؤال‌های مختلفی برای شناسایی کودکان خیابانی به لحاظ سبک زندگی، فعالیت‌ها، تجربیات، زمینه‌های خانوادگی، ویژگی‌های تحصیلی و خصوصیات رفتاری، وضعیت اقتصادی خانواده، ارتکاب جرم و نظایر آن در پرسشنامه گنجانده شد. به منظور تأمین اعتبار ابزار اندازه‌گیری، پس از تدوین نسخه اولیه پرسشنامه تحقیق، از نظرهای اصلاحی و تخصصی چندین تن از اساتید و صاحب‌نظران استفاده شد. سرانجام، پرسشنامه تحقیق، بر مبنای نتایج بدست آمده از اجرای پیش‌آزمون، اصلاح و نهایی گردید.

برای پردازش و اخذ خروجی‌های لازم از داده‌ها، نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

۷۵/۴ درصد (۹۲ نفر) از پاسخگویان پسر و ۲۴/۶ درصد (۳۰ نفر) از آنها دختر بوده‌اند. دامنه سنی پاسخگویان تحقیق نیز بین ۵ تا ۱۴ سال بوده است. [۱] تنها ۳۲ درصد از این کودکان بومی استان اصفهان بوده‌اند و بقیه (۶۷/۲ درصد) غیربومی (از استان‌های دیگر) بوده‌اند. ۱۱/۵ درصد از پاسخگویان بی‌سواد بوده‌اند، ضمن

از افراد فقیر فاقد نیروی روانی کافی برای بیرون کشیدن خود از فقرند و در نتیجه آنها قادر نیستند از کمک‌های اقتصادی برنامه کمک درآمد برای بهبود وضع خویش سود جویند (بیکر، ۱۳۸۹: ۲۴). نظریه فرهنگ فقر با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی با این پیش فرض آغاز نموده است که فرهنگ فقر نوعی شیوه زندگی است که دارای ابعاد روانی و اجتماعی، نظیر گوشه‌گیری و انزوا و عدم حمایت‌های خانواده از افراد آن است (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴: ۱۰۵). ماجراجویی، پرخاشگری و تن دادن به احساسات و امیال آنی از ویژگی‌های فرهنگ فقر است. کوتاه بودن دوران کودکی به گونه‌ای که فرزندان در سنین پایین وظایف بزرگترها را به عهده می‌گیرند، محروم بودن کودکان از حمایت‌های لازم خانوادگی، شروع روابط جنسی در سنین پایین، آزادی و استقلال فرزندان برای ترک خانه، استقلال نسبی فرزندان برای انجام برخی از رفتارهای بزهکارانه، نظیر کشیدن سیگار و مشروبات الکلی از شاخص‌های دیگر فرهنگ فقر است. توجه به زمان حال همراه با ناتوانی از چشم‌پوشی موقت از بعضی چیزهای خوشایند کم‌ارزش در زمان حال به خاطر چیزهای خوشایند بزرگتر در آینده، میل به گوشه‌گیری و نسبت دادن عدم موفقیت خود به قضا و قدر و مردسالاری شدید از یک سو خرده فرهنگ فقر را شکل می‌دهد و از سوی دیگر زمینه بزهکاری افراد را فراهم می‌آورد (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴: ۱۰۳). مجموعه عوامل فوق، می‌تواند سوق دهنده کودک به سوی خیابان و کار باشد.

روش تحقیق

مطالعه حاضر، از نوع بررسی‌های توصیفی بوده که به لحاظ معیار زمان، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ وسعت نیز پهنانگر بوده است. جمعیت آماری تحقیق را کلیه کودکان خیابانی شهر اصفهان در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند که اطلاع دقیقی از تعداد آنها در دست نیست. نمونه تحقیق را ۱۲۲ نفر از کودکان مزبور

تحصیلاتی در حد اول تا سوم راهنمایی بوده‌اند. البته، تنها ۴۱/۸ درصد از این کودکان، هم اکنون مشغول تحصیل هستند و بقیه ترک تحصیل نموده‌اند.

اینکه ۲۲/۹ درصد از آنها دارای تحصیلاتی در حد اول تا سوم ابتدایی، ۴۶/۷ درصد از آنها دارای تحصیلاتی در حد چهارم و پنجم ابتدایی و ۱۸/۹ درصد از آنها دارای

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ویژگی‌های فردی پاسخگویان

متغیر	مقولات	فراوانی	درصد
جنس	پسر	۹۲	۷۵/۴
	دختر	۳۰	۲۴/۶
میزان درآمد ماهیانه فرد	کمتر از ۱۵۰ هزار تومان	۱۰	۸/۲
	بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان	۹۳	۷۶/۲
	۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان درآمد	۱۸	۱۴/۷
نوع کار	دستفروشی	۶۵	۵۳/۷
	مشاغل انحرافی	۲۶	۲۱/۵
	واکس زنی	۳۰	۲۴/۸
آزار جسمی توسط والدین	خیر	۳۵	۲۸/۹
	بلی	۸۶	۷۱/۱
دستگیر شدن	خیر	۹۳	۷۷/۵
	بلی	۲۷	۲۲/۵
زندانی رفتن	خیر	۱۱۸	۹۷/۵
	بلی	۳	۲/۵

به کار واکس‌زنی اشتغال داشته‌اند.

براساس یافته‌های تحقیق، ۷۱/۱ درصد از پاسخگویان توسط والدین مورد آزار جسمی قرار گرفته‌اند. ۲۲/۵ درصد از پاسخگویان توسط پلیس دستگیر و ۲/۵ درصد نیز به زندان رفته‌اند و ۱۴/۱ درصد از پاسخگویان زیر یک سال، ۶/۶ درصد نیز یک تا دو سال در کانون اصلاح و تربیت بوده‌اند.

میزان درآمد ماهیانه ۸/۲ درصد کمتر از ۱۵۰ هزار تومان، ۷۶/۲ درصد بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان و درآمد ۱۴/۷ درصد آنها بین ۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان در ماه است. کودکانی که به فروش مواد مخدر مشغول بودند و یا سرقت می‌کردند، بالاترین درآمد را داشتند. همچنین، ۶۵/۶ درصد از کودکان، درآمد خود را در اختیار خانواده قرار می‌دهند. ۵۳/۷ درصد از پاسخگویان به شغل دستفروشی، ۲۱/۵ درصد مشاغل انحرافی و ۲۴/۸ درصد

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های والدین

متغیر	مقولات	فراوانی	درصد
تحصیلات پدر	بی‌سواد	۵۳	۴۳/۴
	ابتدایی	۶۱	۵۰/۰
	راهنمایی و بالاتر	۸	۶/۶
تحصیلات مادر	بی‌سواد	۶۵	۵۳/۳
	ابتدایی	۴۸	۳۹/۳
	راهنمایی و بالاتر	۹	۷/۴
وضعیت اشتغال پدر	بیکار	۳۲	۲۹/۹
	شاغل	۷۵	۷۰/۱
وضعیت اشتغال مادر	بیکار	۸۴	۷۶/۴
	شاغل	۲۶	۲۳/۶
اعتیاد والدین	خیر	۷۰	۵۷/۴
	پدر	۳۸	۳۱/۱
	مادر	۲	۱/۶
	هر دو	۱۰	۸/۲
طلاق والدین	بلی	۱۸	۱۴/۸
	خیر	۱۰۲	۸۳/۶
فوت والدین	خیر	۹۱	۷۴/۶
	پدر	۱۳	۱۰/۷
	مادر	۹	۷/۴
	هر دو	۸	۶/۶

۱۰/۷ درصد با نامادری زندگی می‌کردند؛ ضمن اینکه ۱۰/۷ درصد از این کودکان، پدر، ۷/۴ درصد مادر و ۶/۶ درصد هم پدر و هم مادر خود را از دست داده بودند. یافته‌های دیگر تحقیق بیانگر این است که ۴۹ درصد از پاسخگویان به علت مشکلات اقتصادی، ۱۸/۹ درصد به علت اجبار والدین، ۱۴/۸ درصد به علت فرار از خانه، ۳/۲ درصد به علت نداشتن سرپرست، ۲/۵ درصد به علت فرار از دست نامادری و ۱/۶ درصد به علت اجبار نامادری، در خیابان بوده‌اند.

همچنین، آمار جدول شماره (۳) نشان می‌دهد رابطه معنی‌داری بین اعتیاد والدین و نوع کار کودکان ($\text{sig}=0/029$)، بین آزار کودکان توسط والدین و نوع کار

۴۳/۴ درصد از پدر پاسخگویان و ۵۳/۳ درصد از مادر آنها بی‌سواد بوده‌اند. در مجموع نیز ۹۳/۴ درصد از پدر پاسخگویان و ۹۲/۶ درصد از مادر آنها دارای تحصیلاتی کمتر از پنجم ابتدایی بوده‌اند. همچنین، پدر ۷۰/۱ درصد از پاسخگویان شاغل و ۲۹/۹ درصد غیرشاغل بوده‌اند. مادر ۲۳/۶ درصد از پاسخگویان شاغل و ۷۶/۴ درصد از آنها غیرشاغل بوده است. ۳۱ درصد از پاسخگویان پدر، ۱/۶ درصد مادر و ۴۱ درصد آنها هم پدر و هم مادرشان معتاد بوده است. به عبارت دیگر، حداقل ۷۲ درصد پاسخگویان دارای والدین معتاد هستند. والدین ۱۴/۸ درصد از پاسخگویان طلاق گرفته بودند. ۸/۲ درصد پاسخگویان با ناپدری و

آنها (sig= ۰/۰۳۸) و زندان رفتن والدین با نوع کار کودکان (sig=۰/۰۱۰) وجود دارد. یافته‌ها بیانگر این است کودکانی که والدین آنها معتاد بوده‌اند، در مقایسه با کودکانی که والدین آنها معتاد نبوده‌اند، بیشتر در مشاغل انحرافی مشغول به کار هستند. همچنین، فرزندان والدین زندان رفته و کودکانی که توسط والدین شان مورد آزار قرار گرفته‌اند، بیشتر از کودکان دیگر به مشاغل انحرافی روی آورده‌اند.

جدول ۳- بررسی رابطه بین وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده با نوع کار کودکان

متغیر	مقولات	نوع کار (درصد)		کای اسکویر (Chi-Square)	سطح معنی داری
		دستفروشی	انحرافی		
طلاق والدین	خیر	۵۴/۵	۲۱/۸	۰/۸۴۶	۰/۶۵۵
	بلی	۴۴/۴	۳۳/۳		
اعتیاد والدین	خیر	۶۲/۳	۱۴/۵	۷/۰۶۱	۰/۰۲۹
	بلی	۴۰/۰	۳۲/۰		
وضعیت اشتغال پدر	غیرشاغل	۶۲/۵	۱۸/۸	۱/۷۲۰	۰/۴۲۳
	شاغل	۴۸/۶	۲۵/۷		
وضعیت اشتغال مادر	غیرشاغل	۵۳/۰	۲۴/۱	۰/۰۱۲	۰/۹۹۴
	شاغل	۵۳/۸	۲۳/۱		
وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده	کمتر از ۱۵۰	۶۰/۰	۳۰/۰	۲/۳۲۲	۰/۶۷۷
	۱۵۰-۳۰۰	۵۲/۷	۱۹/۴		
	بیش از ۳۰۰	۵۸/۸	۳۲/۵		
آزار کودکان توسط والدین	خیر	۷۱/۴	۱۴/۳	۶/۵۴۵	۰/۰۳۸
	بلی	۴۵/۹	۲۴/۷		
زندان رفتن والدین	خیر	۵۷/۸	۱۶/۷	۹/۲۷۶	۰/۰۱۰
	بلی	۳۷/۵	۵۰/۰		
تحصیلات پدر	بی سواد	۵۶/۶	۲۰/۸	۱/۶۱۱	۰/۸۰۷
	ابتدایی	۴۹/۲	۲۳/۰		
	راهنمایی و بالاتر	۷۱/۴	۱۴/۳		
تحصیلات مادر	بی سواد	۵۳/۸	۲۳/۱	۲/۵۰۸	۰/۶۴۳
	ابتدایی	۵۴/۲	۱۶/۷		
	راهنمایی و بالاتر	۵۰/۰	۳۷/۵		

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث نظری و تئوری‌های پژوهش حاضر و نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر و تحقیقات پیشینی که در این زمینه انجام گرفته است، می‌توان گفت عوامل مختلفی در شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی و کار دخیل هستند که از جمله آنها می‌توان به فقر خانواده، فروپاشی خانواده (اعتیاد والدین، طلاق والدین، فوت والدین، زندان رفتن آنها)، مهاجرت و حاشیه‌نشینی و مورد آزار جسمی گرفتن از طرف والدین اشاره کرد که به همراه خود آسیب‌های اجتماعی، از جمله روی آوردن کودکان به مشاغل انحرافی، بزهکاری و دست زدن به رفتارهای پرخطر را به همراه داشته است.

یافته‌های این پژوهش که در شهر اصفهان به بررسی کودکان کار و خیابان پرداخته، بیانگر این است که بیشتر این کودکان را پسران تشکیل می‌دهند؛ به طوری که ۷۵/۴ درصد از پاسخگویان، پسر و ۲۴/۶ درصد از آنها دختر بوده‌اند. فزونی تعداد پسران خیابانی نسبت به دختران می‌تواند قابل توجه باشد. یکی از عللی که معمولاً در مورد کمتر بودن تعداد دختران ذکر می‌شود، این است که برای جلوگیری از روسپیگری آنها زودتر از خیابان جمع‌آوری می‌شوند (Nixon, 1991; UNICEF, 1986). علت دیگری که در مورد تفاوت‌های جنسیتی ذکر شده، این است که به خاطر آنکه دختر بچه‌ها وجودشان در منزل ضروری‌تر است، کمتر خیابانی می‌شوند. بسیاری از کودکان خیابانی، فرزندان خانوارهای زن سرپرست هستند که در این نوع خانواده‌ها، پسران به گونه‌ای جامعه‌پذیر می‌شوند که خانه را زودتر از زمانی ترک کنند که مناسب به نظر می‌رسد، ولی دخترها، ترغیب می‌شوند تا مطابق آداب و رسوم جامعه تا زمان مناسبی در خانه باقی بمانند. عامل مهم دیگر می‌تواند تنش‌های احتمالی بین پدرخوانده‌ها و پسر بچه‌ها باشد که ممکن است باعث

خارج شدن پسرها از خانه و رفتن به خیابان شود (Aptekar, 1988a, 1988b; Felsman, 1979). علت دیگری که در این زمینه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، زمینه فرهنگی جامعه است. به عبارت دیگر، در جامعه در مقایسه با پسران، نسبت به حضور دختران در خیابان و کار آنها، حساسیت بیشتری وجود دارد و لذا دختران به راحتی اجازه حضور در خیابان پیدا نمی‌کنند و یا در سنین پایین‌تری از خیابان جمع می‌شوند.

از یافته‌های دیگر تحقیق این است که تنها ۳۲ درصد از این کودکان بومی شهر اصفهان بوده‌اند و بیش از ۶۷ درصد آنها غیربومی بوده‌اند. این یافته با تئوری مدرنیزاسیون همسو است. همچنین، قاسم‌زاده در تحقیق خود به عامل مهاجرت از روستا به شهر به عنوان یکی از عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی تأکید می‌کند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۲). مهاجرت افراد از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و عدم ظرفیت شهرها در پذیرش آنها در کشورهای در حال توسعه، باعث شده است که این افراد جذب مشاغل مولد و بازار کار در شهرها نشوند و لذا همراه با افراد خانواده به مشاغل کاذب و انحرافی روی می‌آورند و کودکان آنها نیز روانه خیابان برای کار می‌شوند. لذا پیشنهاد می‌شود دولت با سرمایه‌گذاری اقتصادی و فرهنگی در شهرهای کوچک و متوسط به عنوان محورهای توسعه، مانع از سیل مهاجرت به مراکز استان‌ها و پایتخت شده، با طراحی نظام‌های جامع حمایتی برای تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های محروم شهری و تأمین اجتماعی و رفاهی این خانواده‌ها و همچنین، با اعمال نظارت بیشتر بر نواحی حاشیه شهری از طرف نهادهای انتظامی و تأمین امنیت و سلامت اجتماعی محله‌های آسیب‌زا از روی آوردن کودکان به خیابان‌ها جلوگیری کند.

منزل می‌گریزند و در خیابان برای زنده ماندن به سرقت، تکدی‌گری، انجام مشاغل کاذب و خرید و فروش مواد مخدر و حتی فحشا روی می‌آورند (Prescott, 1977). مطالعاتی در هند نشان داد که خشونت خانوادگی و ناسازگاری‌های خانوادگی عامل اصلی خیابانی شدن کودکان است (Patel, 1990; Subrahmanyam and Sondhi, 1990). شاوردی نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که رفتار نامناسب با کودکان در خانواده نقش مؤثری در خیابانی شدن کودکان داشته است (شاوردی، ۱۳۸۱). بنابراین، توجه به آموزش همگانی، به ویژه آموزش والدین به منظور تغییر نگرش‌های نامطلوب نسبت به کودکان از طریق رسانه‌های جمعی و نهادهای فرهنگی مهم و اساسی است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه در کشور، قانونی با ضمانت اجرایی قوی درباره کودکان در خیابان و کار کودکان وجود ندارد، لذا پیشنهاد می‌شود که قانونی ویژه کودکان کارگر خیابانی تدوین شود، به گونه‌ای که بتواند ضمانت اجرایی مؤثری برای اقدام اجتماعی فراهم آورد، یا دست کم قوانین موجود به سود کودکان اصلاح و پشتوانه‌های اجرایی لازم برای آنها در نظر گرفته شود.

بین تحصیلات والدین و روی آوردن کودکان به خیابان و کار رابطه وجود دارد؛ به این معنا که هر چه سطح تحصیلات والدین پایتتر باشد، کودکان آنها بیشتر خیابانی می‌شوند. این یافته با نتایج تحقیقات قبلی همسوست. لهسایی‌زاده در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است هرچه سطح سواد و آگاهی والدین بالاتر باشد، بچه‌ها کمتر به اشتغال روی می‌آوردند (لهسایی‌زاده و اشرفی، ۱۳۷۹).

یافته‌های تحقیق بیانگر این بوده است که ۶۸ درصد از پاسخگویان شب در منزل خودشان، ۴/۱ در خیابان و ۲۲/۱ درصد در پارک می‌خوابند. این یافته نیز با نتایج

یافته‌های تحقیق نشان دهنده این است که میزان درآمد ماهیانه خانواده ۸/۲ درصد از پاسخگویان کمتر از ۱۵۰ هزار تومان بوده است. ۷۶/۲ درصد دارای درآمد ماهیانه‌ای بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان و مابقی (۱۴/۷) بین ۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان درآمد داشته‌اند که این میزان درآمد ماهیانه خانواده، نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی و قدرت مالی پایین آنهاست. این یافته با نظریات و نتایج تحقیقات متعدد در این زمینه همسوست (Qjanuga 1990; Lusk 1992; Rosa, de Sousa, and Ebrahim 1992). بنابراین، فقر می‌تواند به عنوان یکی از عوامل اصلی مؤثر در شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی و کار باشد. لذا در این راستا طرح‌ریزی سیاست‌های مناسب از طرف دولت برای از بین بردن فقر و ناآگاهی، برقراری عدالت اجتماعی، تأمین رفاه اجتماعی، کاهش تبعیض طبقاتی، در اختیار همگان گذاشتن امکانات مختلف اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و زیر پوشش قرار دادن خانواده‌های فقیر و نیازمند، کمک‌های مالی توسط سازمان‌های حمایتی و یا ایجاد اشتغال برای حداقل یکی از اعضای خانواده‌های فقیر برای پیشگیری از احتیاج خانواده به درآمد کودک با توجه به نقش مؤثر عامل فقر در ایجاد پدیده کودکان خیابانی می‌تواند زمینه را برای نگه‌داشتن کودک در خانه مهیا سازد و از ورود او به خیابان و روی آوردن به مشاغل کاذب و انحرافی برای کسب درآمد برای رفع نیازهای زندگی جلوگیری کند.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق رابطه بین فروپاشی خانواده (اعتیاد، طلاق، زندان رفتن والدین، فوت والدین، اعمال خشونت علیه کودکان، آزار جسمی کودکان) و روی آوردن کودکان به خیابان و کار است. این یافته با نظریات و نتایج تحقیقات صورت گرفته در این زمینه همسوست. گیدنز معتقد است کودکان خیابانی چون محیط خشونت‌بار خانواده را غیرقابل تحمل می‌یابند، از

بیماری‌های قابل توجه است.

پی نوشت

[۱] تفاضل جمع درصدها از عدد ۱۰۰ در قسمت‌های مختلف، به علت وجود مقادیر گم‌شده (بدون پاسخ) یا امکان انتخاب بیش از یک گزینه در برخی از موارد بوده است.

منابع

احمدخانی‌ها، حمیدرضا، شریف ترکمن‌نژاد، محمد مهدی حسینی‌مقدم. (۱۳۸۱). «همه‌گیرشناسی افسردگی و سوء استفاده جنسی در کودکان خیابانی»، فصلنامه *اندیشه و رفتار*، سال هشتم، ش ۱: ۱۴-۲۰.

احمدی، حبیب و محمد تقی ایمان. (۱۳۸۴). «فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده‌پایله شیراز در سال ۱۳۸۳»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، جلد نوزدهم، ش ۲: ۹۹-۱۱۸.

اقلیما، مصطفی. (۱۳۸۶). «پدیده کودکان خیابانی در تهران»، *فصلنامه سیاسی-اقتصادی*، ش ۲۴۰-۲۳۹: ۱۴۲-۱۴۷.

بیکر، ترزال. (۱۳۸۹). *روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی*، ترجمه و اقتباس هوشنگ نایی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.

حسینی، سیدحسین. (۱۳۸۴). «وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران». *رفاه اجتماعی*، سال پنجم، ش ۱۹: ۱۵۵-۱۷۴.

تولائی، حسن؛ حسین رفیعی و اکبر بیگلریان. (۱۳۸۸). «رابطه کار کودک با توسعه و رفاه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، سال نهم، ش ۳۵: ۳۳۶-۳۰۱.

رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۸۲). «واکاوی کار کودکان در

تحقیقات پیشین همسوست. مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف نشان داده‌اند که بیشتر از ۹۰ درصد کودکان خیابانی همچنان ارتباطشان را با خانواده‌شان حفظ می‌کنند (Felsman, 1981; Lusk et al., 1989)؛ با این تفاوت که در جامعه مورد مطالعه درصد کودکانی که در خیابان یا پارک می‌خوابند، به نسبت بیشتر بوده‌اند. نهادهای حمایتی از جمله سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و شهرداری‌ها با همکاری نیروهای پلیس می‌توانند با شناسایی کودکان خیابانی که شب در خیابان‌ها می‌خوابند و ایجاد سرپناهی مناسب برای آنان، مانع از روی آوردن آنها به کارتن‌خوابی و بروز رفتارهای پرخطر (دزدی، چاقوکشی، حمل و مصرف مواد مخدر، تجاوز جنسی) توسط آنها شوند.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده این است که ۴/۸ درصد از پاسخگویان یک تا پنج بار، ۳/۳ درصد بین پنج تا ده بار و ۳/۲ درصد ده بار و بالاتر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. این یافته با نتایج تحقیقات قبلی همسوست. برای مثال، مطالعه احمدخانی‌ها و دیگران (۱۳۸۱) نشان داد که ۲۰/۹ درصد از کودکان مورد مطالعه، مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند. تحقیقات دیگر در خارج از کشور نیز نشان داده است همه روزه بسیاری از کودکان خیابانی مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند (Rew, Taylor and Thomas, 2001). این مسأله از پیامدهای ناگوار پدیده کودکان خیابانی است که زمینه را برای بروز و ظهور رفتارهای پرخطر جنسی و شیوع بیماری‌های مقاربتی، از جمله ایدز مهیا می‌نماید. در اینجا نقش سازمان‌های حمایتی دولتی و غیردولتی در پیشگیری از بیماری‌های آمیزشی از طریق برقراری ارتباط با کودکان خیابانی و جلب اعتماد آنها با کمک مددکاران اجتماعی و آموزش به آنها برای پیشگیری از این

- Comparative Study of Street and Non-Street Children in South – Western Nigeria". *Child Abuse and Neglect*, 24(9): 1199- 1213.
- Aptekar, L. (1988a). "The Street Children of Colombia: How Families Define the Nature of Childhood". *International Journal of Sociology of the Family*, 18(2): 283-296.
- Aptekar, L. (1988b). *Street Children of Cali*. Durham, NC: Duke University Press.
- Aptekar, L. (1991). "Are Colombian Street Children Neglected? The Contributions of Ethnographic and Ethnohistorical Approaches to the Study of Children." *Anthropology and Education Quarterly*, 22(4): 326-349
- Aptekar, L. (1994). "Street Children in the Developing World: A Review of Their Condition," *Cross-Cultural Research*, 28(3): 195-224.
- Aptekar, L. (2004) "The Changing Developmental Dynamics of Children in Particularly Difficult Circumstances: Examples of Street and War-Traumatized Children," (Chapter 15) in *Childhood and Adolescence: Cross-Cultural Perspectives and Applications*. Praeger Publishers: Westport, CT.
- Batmanghelidjh, C. (2006) *Shattered Lives: Children Who Live With Courage and Dignity*, Jessica Kingsley: London
- Bose A. B. (1992). The Disadvantaged Urban Child in India, Innocenti Occasional Papers, Urban Child Series No. 1, UNICEF International Child Development Centre.
- Boydon, J. (1986). *Children in Development: Policy and Programming for Especially Disadvantaged Children in Lima*, Peru. Oxford: United Nations Children's Fund.
- Campos, R., M. Raffaelli, W. Ude, M. Greco, A. Ruff, J. Rolf, C. Antunes, N. Halsey, and D. Greco, (1994). "Social Networks and Daily Activities of Street Youth in Belo Horizonte, ایران». *رفاه اجتماعی*، سال دوم، ش ۷: ۲۳۱-۲۴۷.
- زرگر، فاطمه، اعظم مرادی و سعید ایمانی. (۱۳۸۷). «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان و دختران فراری و عادی در شهر اصفهان»، *اندیشه و رفتار*، دوره سوم، ش ۱۰: ۴۷-۵۸.
- شاوردی، تهمینه. (۱۳۸۱). «نگاهی به وضعیت کودکان خیابانی در ایران و علل و عوامل آن»، مجموعه مقالات *اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران* (روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی)، تهران: انتشارات آگاه.
- قاسم‌زاده، فاطمه. (۱۳۸۲). «کودکان خیابانی در تهران». *رفاه اجتماعی*، سال دوم، ش ۷: ۲۴۹-۲۶۳.
- کاشفی اسمعیل‌زاده، حسن. (۱۳۷۸). *بررسی وضعیت کودکان خیابانی در مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- لهسایی زاده، عبدالعلی و حجت‌الله اشرفی. (۱۳۷۹). «بررسی عوامل تعیین کننده کار کودکان (مطالعه موردی شهرستان کاشان)». *نامه پژوهش فرهنگی*، سال ششم، ش ۱ و ۲: ۱۰۵-۱۳۵.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵*.
- وامقی، مروّنه. (۱۳۸۴). «کودکان خیابانی ایران و رویکردهای دولتی». *رفاه اجتماعی*، سال پنجم، ش ۱۹: ۱۷۵-۲۰۳.
- وامقی، مروّنه؛ حمیرا سجادی، حسن رفیعی و آرش رشیدیان. (۱۳۸۸). «مرور نظام‌مند مطالعات کودکان خیابانی در دهه اخیر در ایران (فقر، عامل خطر خیابانی شدن کودکان)»، *رفاه اجتماعی*، سال نهم، ش ۳۵: ۳۳۷-۳۷۸.
- Aderinto, A. A (2000). "Social Correlates and Coping Measures of Street Children: A

- HajYahia, M. (2001). "The Incidence of Witnessing Interparental Violence and Some of Its Psychological Consequences among Arab Adolescents," *Child Abuse and Neglect*, 25(7): 885-907
- Hickson, J. and V. Gaydon, (1989). "Counseling in South Africa: The Challenge of Apartheid "Twilight children": The Street Children of Johannesburg." *Journal of Multicultural Counseling and Development*, 17(2): 85-89.
- Kidd, S. and M. Carroll, (2007) "Coping and Suicidality among Homeless Youth," *Journal of Adolescence* 30(2): 283-296.
- Kilbride, R, & Kilbride, J. (1990). *Changing Family Life in East Africa: Women and Children at Risk*. University Park: Pennsylvania State University Press.
- Le Roux, J. (1996) "Street children in South Africa: Findings from Interviews on the Background of Street Children in Pretoria, South Africa." *Adolescence*, 31(122): 423-431.
- Lusk, M. (1992). "Street Children of Rio de Janeiro," *International Social Work*, 35(3): 293-305.
- Lusk, M., F. Peralta, and G.Vest, (1989). "Street Children of Juarez: A Field Study," *International Social Work*, 32(3): 289-302.
- Nixon, D. (1991). "A Street is not a Home". *Rotarian* 9: 30-33.
- Patel, S.(1990). "Street Children Hotel Boys and Children of Pavement Dwellers and Construction Workers in Bombay: How They Meet Their Daily Needs". *Environmental and Urbanization*, 2(2): 9-26.
- Prescott, J.W. (1977). *Child Abuse in America: Slaughter of the Innocents*, Slaughter of the Innocents. Hustler.
- Brazil." *Child Development* 65(2): 319-330.
- Connolly, M. (1990). "Adrift in the City: A Comparative Study of Street Children in Bogotd, Colombia and Guatemala City." In N. Boxhill (Ed.), *Homeless children: The watchers and the waiters* (pp. 129-149). New York: Haworth Press.
- Consortium for Street Children (2011) "Street Children: A Mapping and Gapping Review of the Literature from 2000 to 2010," Online available at: http://www.streetchildren.org.uk/_uploads/publications/Street_Children_Mapping__Gapping_Literature_Review_-_FINAL_VERSION_-_February_2011.pdf.
- de Pineda, V, E. de Munoz, P. de Pineda, Y. Echeverry, and J. Arias, (1978). *El Gamin su alberque socialy su familia* (Vol. 1) [*The gamins' social home and family*] Bogota: Instituto Colombiano de Bienestar Familiar.
- Donald, D. and J. Swart (1994). "The South African Street Child: Developmental Implications." *South African Journal of Psychology* 24(4): 169-174.
- Felsman, K. (1979). *Invulnerability: On Risk, Resiliency and Adaptation in Childhood*. Unpublished Doctoral Dissertation, Harvard University, Cambridge.
- Felsman, K. (1981). "Street Urchins of Columbia", *Natural History*, 90(1): 41-48.
- Felsman, K. (1989). "Resiliency in Context: Children Coping in Extreme Circumstances." *The Child in Our Times: Studies in the Development of Resiliency*, (ed). T Dugan, R Coles, (pp. 56-80). New York: Brunner/Mazel
- Gutierrez, J. (1970). "Using a Clinical Methodology in a Social Study of Deviant Children". *Western Reserve Journal of Sociology*, 4: 1-28.

- Subrahmanyam, Y, and R. Sondhi, (1990). "Child Porters: Psychosocial Profile of Street Children". *International Journal of Social Work*, 51(4): 577- 582.
- Tacon, R (1982). "Carlinhos: The Hard Gloss of City Polish". *UNICEF News* 111(1): 4-6.
- Tellez, G. (1976). *Gamines*. Bogotd: Editorial Tbmis.
- Visano L. (1990). "The Socialization of Street Children: The Development and Transformation of Identities." *Sociological Studies of Child Development*. 3: 139-161.
- Hatty, S., N. Davis, and S. Burke (1994). "No Exit: Violence, Gender and the Streets." *Australian Journal of Social Issues*, 24(4): 230-240.
- UNICEF. (1986). *Children in Especially Difficult Circumstances: Supporting Annex, Exploitation of Working and Street Children*. New York: United Nations Children's Fund.
- Wright J, and D. Kaminsky (1993). "Health and Social Conditions of Street Children in Honduras". *American Journal of Diseases of Children*, 147(3): 279-283.
- Qjanuga, D. (1990). "Kaduna Beggar Children: A Study of Child Abuse and Neglect in Northern Nigeria". *Child Welfare*, 69(4): 371-380.
- Rafferty, Y and M. Shinn (1991). "The Impact of Homelessness on Childern". *American Psychologist*, 46(11): 1170-1179.
- Rew, L. M. Taylor, N.Y. Thomas and R.D.Yockey (2001). "Correlates of Resilience in Homeless Adolescents," *Journal of Nursing Scholarship*, 33(1): 33-40.
- Richter, L. (1989). "Street Children: The Nature and Scope of the Problem in Southern Africa." *Child Care Worker*, 6(7): 11-14.
- Rosa, C. S., R. de Sousa, and G.Ebrahim, (1992). "The Street Children of Recife: A Study of Their Background". *Journal of Applied Pediatrics*, 38(1): 34-40.
- Sanders, T. (1987). "Brazilian Street Children: Who They Are." United Field Service International Report 17: Latin America, Indianapolis, IN.
- Sappington, A. A. (2000). "Childhood Abuse as a Possible Locus for Early Intervention in to Problems of Violence and Psychopathology". *Aggression and Violent Behavior*. 5(3): 255-266